

مقاله / هدف آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد

۳۱ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۲۷

در آن زمان، تعداد کمی از ایرانشناسان یا ناظرین سیاسی، اهمیت درازمدت آنچه را که در حال وقوع بود، درک می‌کردند. «تی. کوپلریانگ» از دانشگاه پرینستون، در این مورد استثناء است. وی شاهد دست اول احساسات ضدآمریکایی در ایران در واکنش نسبت به موافقت‌نامه وضعیت نیروها، یا همان کاپیتولاسیون بود. یانگ در ماه آوریل ۱۹۶۵، طی مقاله‌ای در دانشگاه هاروارد، موقعیت را به این شکل توصیف کرد

جیمز بیل، در مورد واکنش‌های مردم ایران نسبت به تصویب لایحه کاپیتولاسیون می‌نویسد:

«در آن زمان، تعداد کمی از ایرانشناسان یا ناظرین سیاسی، اهمیت درازمدت آنچه را که در حال وقوع بود، درک می‌کردند. «تی. کوپلریانگ» از دانشگاه پرینستون، در این مورد استثناء است. وی شاهد دست اول احساسات ضدآمریکایی در ایران در واکنش نسبت به موافقت‌نامه وضعیت نیروها، یا همان کاپیتولاسیون بود. یانگ در ماه آوریل ۱۹۶۵، طی مقاله‌ای در دانشگاه هاروارد، موقعیت را به این شکل توصیف کرد:

"این اخبار با واکنش عمومی خشمگینانه و تلخی مواجه گردید که در مطبوعات منعکس شد ... عمق و وسعت خشم شدید مردم برای هر فردی که چند هفته بعد از این واقعه، از این کشور دیدن می‌کرد، بسیار ناراحت کننده بود."

یانگ در اوایل سال ۱۹۶۹، به دانشجویان خود در دانشگاه پرینستون گفت: «موافقت‌نامه وضعیت نیروها، اشتباه فاحشی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سخت، به‌عنوان نشانه بارز امپریالیسم تفسیر می‌شد. با این وجود، ما برای اجرای آن پافشاری کردیم.» (۶۱)

افشای تصویب قانون کاپیتولاسیون به وسیله امام خمینی، موجی از خشم و نارضایتی را در اقشار مختلف مردم برانگیخت و مطالب مندرج در سخنرانی و اعلامیه ایشان، در سراسر کشور پخش شد و تعدادی از روحانیون شروع به سخنرانی علیه دولت و لایحه مصونیت مستشاران آمریکایی نمودند.

رژیم شاه که با آزادی امام خمینی فکر می‌کرد پس لرزه‌های قیام پانزده خرداد را پشت سر گذاشته است، اینک می‌دید که امام شخصیتی نیست که در هیچ شرایطی دست از مبارزه با خلاف‌کاری‌های رژیم بردارد؛ و با مخالفت صریح و شورانگیز خود با کاپیتولاسیون جبهه جدیدی در مبارزه با شاه و آمریکا گشوده است؛ لذا بی‌درنگ و قبل از آنکه زمینه قیام سراسری علیه مصونیت قضایی آمریکاییان در ایران فراهم شود، در نیمه شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، امام خمینی را دستگیر و به ترکیه تبعید کرد. به دنبال تبعید امام، مبارزان اسلامی نیز حساب خود را با رژیم شاه یکسره کردند و تنها کمتر از ۳ ماه پس از تبعید امام، نخست‌وزیر شاه و عامل اجرایی اعطای مصونیت قضایی به آمریکاییان، به دست محمد بخارایی کشته شد.

واقعه ترور حسنعلی منصور به وسیله محمد بخارایی (عضو هیئت‌های مؤتلفه اسلامی)، پیامد سرکوبگری‌های خشن حکومت بود. در پی نخستین بازجویی‌ها از بخارایی، مشخص گردید که این گروه مذهبی [هیئت‌های مؤتلفه]، در اعلام انزجار خود از تبعید امام خمینی، نقشه این ترور را کشیده بودند. (۶۲)

غارت منابع نفتی ایران

اهمیت فراوان نفت و مشتقات آن برای کشورهای بزرگ در جریان جنگ جهانی دوم به اندازه‌ای تعیین کننده بود که سلطه بر مناطق نفت خیز جهان، از اهداف مهم و استراتژیک درآمد. ذخایر عظیم نفتی خلیج فارس، از جمله ایران، علت توجه سیاست خارجی دولت‌های بزرگ غربی، به‌ویژه آمریکا به این منطقه بود. غرب نمی‌خواست حکومت‌های مستقل ویا وابسته به شرق در کشورهای دارای منابع نفت به حکومت برسند. (۱)

در بیانیه‌ای که از سوی وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) انتشار یافته بود، در مورد اهمیت عرضه نفت خلیج فارس گفته شده بود: "وابستگی جهان به نفت برای مقاصد نظامی رو به افزایش است. درحالی که جنگ جهانی دوم ۶۰ درصد سوخت موردنیاز خود را از زغال سنگ و ۴۰ درصد را از نفت تأمین کرد؛ اما در عملیات نظامی در جنگ کره، نفت ۶۰ درصد سوخت مورد نیاز را تشکیل می‌داد. در طی جنگ ویتنام نیز تقریباً کل سوخت مورد نیاز آمریکا از نفت تأمین شد. و البته دسترسی به نفت برای هر گونه عملیات نظامی در آینده، یکی از دشواری‌های اساسی است که ما با آن روبه‌رو هستیم. مسئله انرژی برای آمریکا و متحدان آن، از دیدگاه جغرافیایی بر خلیج فارس تمرکز یافته است. کشورهای حوزه خلیج فارس که شماری از آنها مستعد آشوب بوده و از دیدگاه سیاسی بی‌ثبات هستند، حدود ۶۵ درصد کل صادرات نفتی جهان و ۵۵ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان را در دست دارند." (۲)

در یک سند به دست آمده از سفارت آمریکا در تهران نیز، یکی از اهداف آمریکا در ایران، تأمین دسترسی به منابع نفتی و مواد معدنی در ایران، به قیمت‌های قابل تحمل برای آمریکا و هم‌پیمانانش، عنوان شده است. (۳)

در جهت این سیاست، آمریکا برای دستیابی به هدف سلطه بر خلیج فارس به منظور عبور نفت ارزان قیمت، حاضر به انجام هر اقدامی از جمله سرنگون کردن دولت‌های مردمی و به روی کار آوردن حکومت‌های دست‌نشانده، می‌باشد که نمونه بارز آن را در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شاهد بودیم.

که حل مسئله نفت مهم‌ترین دلیل انگلیس و آمریکا برای انجام کودتا در ایران بود، لذا سرلشکر فضل‌الله زاهدی پس از آن که زمام امور دولت را در دست گرفت، کابینه‌ای متشکل از مرتجع‌ترین و شناخته شده‌ترین دولتمردان هوادار انگلیس و هوادار آمریکا تشکیل داد که تلاش آنها حل مسئله نفت مطابق خواست انگلیس و آمریکا، برقراری رابطه با انگلستان و همکاری داوطلبانه با بلوک غرب بود. ۴

زاهدی در خاطرات خود از وقایع پس از کودتای ۲۸ مرداد چنین می‌گوید:

"روزی که شاه به تهران آمد، من در فرودگاه هیئت دولت را به او معرفی کردم. همین که به نام دکتر علی امینی، وزیر دارایی کابینه خود رسیدم، احساس کردم که شاه خیلی ناراحت شد، ولی حرفی نزد. پس از معرفی وزیران، مرا به کنار کشید و گفت: چرا علی امینی را انتخاب کرده‌ای؟ مگر نمی‌دانی که طرف اعتماد و اطمینان ما نیست ... پاسخ دادم: هندرسون (سفیر آمریکا در ایران) با من اتمام حجت کرد که چنانچه از دولت آمریکا انتظار کمک داشته باشید، باید بدانید که ما فقط به علی امینی اعتماد داریم و او باید مسئله نفت را حل کند." ۵

پس از مدتی، مقامات رسمی آمریکا آشکارا اعلام کردند، تا زمانی که دولت ایران قرارداد نفت را با کنسرسیوم بین‌المللی امضاء و مجلسین آن را تصویب نکنند، دیگر دیناری به عنوان کمک نخواهند پرداخت. ۶

البته در یک سند "به کلی سرتی" وزارت امور خارجه آمریکا به تاریخ مارس ۱۹۵۳، تحت عنوان "اقدامات احتمالی دولت ایالات متحده آمریکا در حمایت از دولت جانشین مصدق" که پیش از انجام کودتا تدوین شده، چنین آمده بود:

"دولت ایالات متحده آمریکا باید از بیان این مطلب که مسئله نفت در تغییر حکومت ایران مؤثر بوده، پرهیز کند. این نکته از اهمیت برخوردار است که نه دولت ایالات متحده آمریکا و نه انگلستان، به خاطر انتظار رفتار منطقی‌تر از سوی ایران نسبت به حل مناقشه نفت، علناً ابراز خرسندی نکنند." ۷

سرانجام واشنگتن موفق شد که یک کنسرسیوم بین‌المللی تشکیل دهد تا به جای کمپانی نفت ایران و انگلیس، صنعت نفت ایران را اداره کند. ترکیب این کنسرسیوم بدین ترتیب بود: کمپانی نفت انگلیس (بریتیش پترولیوم) چهل درصد، پنج کمپانی آمریکائی هرکدام هشت درصد، کمپانی رویال داچ شل چهارده درصد و کمپانی نفت فرانسه شش درصد. به لحاظ نظری، کنسرسیوم می‌بایست به‌عنوان مشتری شرکت ملی نفت ایران عمل می‌کرد، اما در عمل، در حالی که مالکیت ایران را بر صنعت نفت خود به رسمیت می‌شناخت، کنترل بخش اعظم این صنعت را از بهره‌برداری گرفته تا قیمت‌گذاری و بازاریابی، در اختیار داشت. این ترتیب که معمار اصلی آن جان فاستر دالس (وزیر خارجه آمریکا) و مشاور نفتی او (هربرت هوور) بود، مورد قبول لندن و تهران واقع شد. ۸

هربرت هوور که به‌عنوان اولین نماینده رسمی آمریکا، بعد از کودتا به ایران آمد، مأمور مذاکره و نهائی کردن قرارداد جدید کنسرسیوم بود که کمپانی‌های نفتی آمریکا را وارد و سهیم می‌ساخت. شاه با صراحت به هوور گفته بود:

"هر مرحمت و لطفی که سازمان سیا کرده است، با نفت به‌طور کامل جبران خواهد نمود." ۹

پس از موفقیت کودتا، کرمیت روزولت نیز پست معاونت کمپانی گلف (یکی از کمپانی‌های اصلی آمریکائی در غارت نفت ایران) را به دست آورد. ۱۰

از جانب دولت ایران نیز علی امینی در سمت وزیر دارایی، مأمور حل مسئله نفت شد که سرانجام منجر به عقد قرارداد نفتی موسوم به "امینی-پیچ" گردید. هوارد پیچ، نماینده کمپانی‌های شش‌گانه کنسرسیوم نفت بود. علی امینی پس از حدود یک سال بحث و مذاکره، سرانجام در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۳۳ قرارداد نفت را با هوارد پیچ (نماینده کمپانی‌های شش‌گانه کنسرسیوم) امضاء کرد. ۱۱

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20151/مقاله-کودتای-آمریکا-هدف-مقاله/20151>